

سرشناسه: رحمتی طولارود، میلاد
عنوان و نام پدید آور: در انتظار روشنائی / میلاد رحمتی طولارود
مشخصات نشر: قم: ندای الهی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۹۲ ص.

شابک: ۴۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۱۳-۱۱-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص ۹۲-، همچنین به صورت زیرنویس
موضوع: مهدویت- انتظار
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق-
Bp رده کنگره: ۱۳۹۴، ۲۲۴/۴/۳۵۴
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۸۱۳۳۵

در انتظار روشنائی

نام کتاب: در انتظار روشنائی

نویسنده: میلاد رحمتی طولارود

طراح جلد: میلاد رحمتی

ناشر: ندای الهی

چاپ: ولیعصر

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

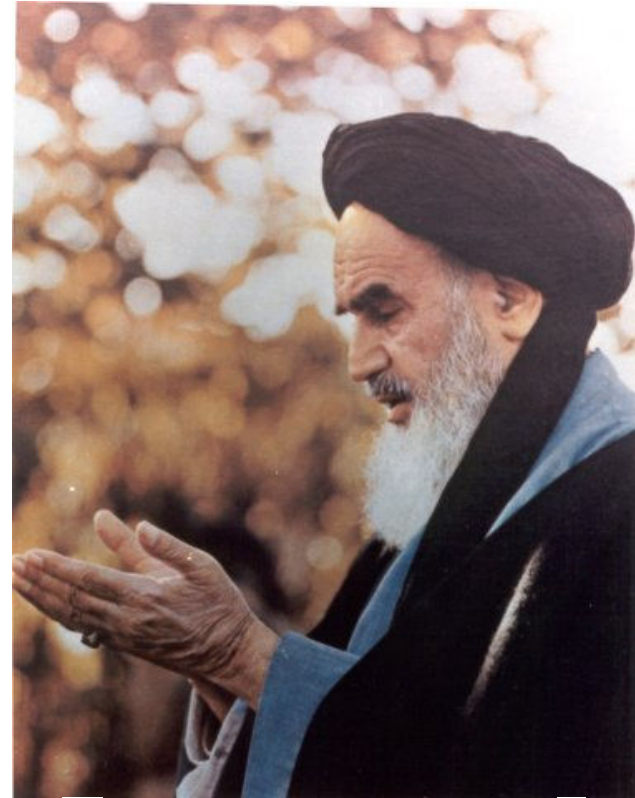
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۱۳-۱۱-۱

مؤلف: میلاد رحمتی

کلیه حقوق این اثر متعلق به مولف می باشد.

فهرست

پیشگفتار	۸
حضرت مهدی <small>عجل الله فرجه</small>	۹
ویژگی‌های امام مهدی <small>عجل الله فرجه</small>	۱۱
۱- سجایا و مکارم اخلاقی امام مهدی <small>عجل الله فرجه</small>	۱۱
۲- شناخت مهدی موعود <small>عجل الله فرجه</small>	۱۲
ویژگی‌های منتظرین	۱۷
اخلاق شایسته:	۱۸
پرهیزکاری:	۱۸
نیکو کاری:	۱۸
اخلاص*:	۱۹
قوت عقل و اندیشه و فزونی درک و دانش:	۱۹
بیانات امام خامنه‌ای درباره‌ی امام زمان حضرت مهدی <small>عجل الله فرجه</small>	۲۰
قانع نشدن به وضع موجود، یک بُعد از معنای انتظار:	۲۰
عمر طولانی امام مهدی <small>عجل الله فرجه</small>	۲۲
۱. پیش بینی عمر طولانی امام مهدی <small>عجل الله فرجه</small> :	۲۲
۲- پیشینه گفت و گو از عمر طولانی امام مهدی <small>عجل الله فرجه</small> :	۲۲
۳- پاسخ به شبهه طول عمر امام مهدی <small>عجل الله فرجه</small> :	۲۳
مفهوم و علل غیبت	۲۴
۱- هدایت تکوینی*	۲۶
۲- هدایت تشریحی*	۲۶



﴿وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾؛

«عصر» انسان کامل است؛ امام زمان عجل الله فرجه است. یعنی «عصاره» همه

موجودات. قسم به عصاره همه موجودات، یعنی قسم به

انسان کامل.... (امام خمینی رحمه الله)

پیشگفتار

باسلام و صلوات به روح مقدس و ملکوتی حضرت امام خمینی علیه السلام و با آرزوی سلامتی برای حضرت مهدی - ارواحنا فداه - و نائب بر حق ایشان حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) در این کتاب تلاش کرده ام، با مطالعه حول زندگی حضرت موعود علیه السلام و با استفاده از سخنان امامان معصوم علیهم السلام و بزرگان دین درباره آن حضرت علیه السلام، مطالبی را بیان کنم، تا بتوانیم با شناخت ابعاد مختلف از شخصیت و معارف حضرت مهدی علیه السلام به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی به عنوان یک تکلیف و امری ضروری عمل کرده باشیم. در پایان، با استعانت از الطاف الهی از همه کسانی که در گردآوری این کتاب، همیاری نموده‌اند تقدیر و تشکر می‌کنم.

امیدواریم، هرچه زودتر با ظهور روشن حضرت مهدی - ارواحنا فداه - کرامت دنیا و آخرت، از برکت ایشان نصیب مان گردد.

«آمین رب العالمین»

با تشکر - میلاد رحمتی

.....	علت غیبت و جهل به آن	۳۴
.....	الف) ناپیدا بودن امام	۳۷
.....	ب) ناشناس بودن امام	۳۷
.....	کلامی زیبا از حضرت علی <small>علیه السلام</small>	۴۰
.....	- همسر و فرزندان امام زمان <small>علیه السلام</small>	۴۲
.....	- محل زندگی امام عصر <small>علیه السلام</small>	۴۳
.....	ماموریت اصلی حجت <small>علیه السلام</small>	۴۶
.....	حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> از نگاه امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	۴۷
.....	روایاتی مهدوی از امام رضا <small>علیه السلام</small>	۴۹
.....	امام عصر <small>علیه السلام</small> به روایت امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>	۵۰
.....	شعر انتظار	۵۱
.....	واژه نامه	۵۴
.....	منابع	۵۶

بر آیی آفتاب صبح امید
که در دام شب بجران اسیرم

حضرت مهدی علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام دوازدهمین امام شیعیان، در شب جمعه نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ ه. ق در سامرا به دنیا آمد. پدرش امام حسن عسکری علیه السلام و مادر بزرگوار آن حضرت، نرجس که به نام‌های سوسن، صیقل و ملیکه نیز نامیده شده است.^۱

نام و کنیه امام عصر همان نام و کنیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در روایات آمده است که شایسته نیست آن حضرت را با نام و کنیه، اسم ببرند تا آن گاه که خداوند به ظهورش زمین را مزین و دولتش را ظاهر گرداند. شیعیان، آن حضرت را با القاب مختلفی چون: حجت، قائم، مهدی، خلف صالح، صاحب، صاحب الزمان، صاحب الدار و نامهای فراوان دیگر، تا جایی که تعداد آنها به ۱۸۲ اسم می‌رسد، می‌نامند و در دوران غیبت کوتاه آن امام، ارادتمندان و دوستداران حضرتش با تعبیری چون «ناحیه مقدس» از ایشان یاد می‌کردند.^۲ موارد یاد شده القاب حضرت مهدی علیه السلام است و نه نام او، و می‌دانیم که ممکن است به مناسبت‌های مختلف، به کسی القاب مختلف بدهند از طرف دیگر کثرت این القاب، دلالت بر عظمت و بزرگی آن

۱. معرفت امام زمان و تکلیف منتظران - ابراهیم شفیعی سروستانی، ص ۱۹

۲. إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۱۳

حضرت دارد.

حضرت مهدی علیه السلام از ذخیره‌های عظیم الهی است، که خداوند وعده آمدنش را به امتها داده است و قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ

الصَّالِحُونَ﴾^۱

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

لذا همه ملل چه قبل از اسلام و چه پس از اسلام ایشان را با القاب گوناگونی یاد کرده اند. در آیین بودا ایشان را با مفهوم میتریه نام برده اند. که این واژه به معنای مهربان است و واژه‌ی سنسکریت می‌باشد. در آیین زرتشت موعود نجاتبخش را سوشینت* می‌خوانند. و در آیین یهود عنوان مسیح* را بر ایشان نهاده اند. و همچنین در آیین‌های دیگری با نام‌های مختلف و نگاهی متفاوت به منجی موعود علیه السلام می‌نگرند.

۱. الأنبياء، ۱۰۵

ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام

۱- سجایا و مکارم اخلاقی امام مهدی علیه السلام

طبق روایات و مطالعه حکایت‌های نیک بختانی که توفیق زیارت آن امام را یافته‌اند، بر می‌آید که قامت و رخسار نازنین امام عصر علیه السلام در کمال زیبایی و اعتدال بوده و سیمای مبارکش، دل ربا و خیره کننده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام هر کدام در سخنان خود به اوصاف امام مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند. حضرت امام رضا علیه السلام در توصیف ویژگی‌های چهره و سجایای اخلاقی و ویژگی‌های برجسته آن حضرت می‌فرمایند:

«قائم آل محمد صلی الله علیه و آله هاله‌هایی از نور چهره زیبای او را احاطه کرده است رفتار معتدل و چهره شادابی دارد. از نظر ویژگی‌های جسمی شبیه‌ترین فرد به رسول خدای صلی الله علیه و آله است. نشانه خاص او آن است که گرچه عمر بسیار طولانی دارد، ولی از سیمای جوانی برخوردار است؛ تا آن جا که هر بیننده‌ای او را چهل ساله یا کمتر تصور می‌کند. از دیگر نشانه‌های او آن است که تا زمان مرگ با وجود گذشت زمان بسیار طولانی هرگز نشان پیری در چهره او دیده نخواهد شد.»

و قرآن کریم در آیات متعددی به توصیف پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله پرداخته و آن حضرت را به دلیل ویژگی‌های برجسته و منحصر به فردش ستوده است و این ویژگی‌ها را به حضرت مهدی علیه السلام نسبت داده است؛ که از آن جمله می‌توان آیات زیر را برشمرد:

* در سوره آل عمران آیه ۱۵۹^۱ ویژگی نرمخویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را یادآور شده است و می‌فرماید اگر چنین نبود، مردم از پیرامون تو آکنده می‌شدند.

* در سوره‌ی توبه آیه ۱۲۸^۲ خداوند متعال به دلسوزی، احساس مسئولیت، خیرخواهی و مهر و محبت بی پایان رسول خاتم صلی الله علیه و آله نسبت به امتش اشاره کرده است.

* در سوره‌ی انبیاء آیه ۱۰۷^۳ به رحمت بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای همه جهانیان توجه کرده است.

* در سوره‌ی قلم آیه ۴^۴ در مقام ستایش خلق و خوی بی نظیر پیامبر اسلام می‌فرماید.

۲- شناخت مهدی موعود علیه السلام

اینک برای این که این آخرین پیشوای برحق، را بهتر بشناسیم، بخشی

۱ . فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ سَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (۱۵۹)

پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می‌دارد.

۲ . لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (۱۲۸)

قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است.

۳ . وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۷)

و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

۴ . وَ أَنْتَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ (۴)

و راستی که تو را خویی والاست!

از انبوه روایاتی را که درباره معرفی آن حضرت از زبان مبارک رسول خدا ﷺ و پدران بزرگوارش بازگو شده، در اینجا می‌آوریم:

۱/۲ - مهدی موعود اسلام از عرب است؛

بر اساس روایات «متواتر»^{*}، مهدی موعود اسلام از «عرب» است. تمام روایاتی که درباره نسب آن حضرت رسیده است، دلالت دارد که حضرت از «عرب» می‌باشد؛ ولی در عین حال برای اثبات این مطلب، روایتی نقل می‌کنیم.

«مردی حضور امیرمؤمنان ﷺ شرفیاب گردید و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! ما را از مهدی خودتان آگاه کنید! حضرت فرمود: هنگامی که رفتنی‌ها رفتند و منقرض شدند، و مؤمنین اندک گردیدند و طرفداران حق از میان رفتند، پس آن وقت است آن وقت. عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! مهدی ﷺ از چه طایفه ای است؟ فرمود: مهدی ﷺ از «بنی هاشم»^{*}، قلّه شامخ^{*} نژاد عرب است...»^۱

۲/۲ - مهدی ﷺ از «قریش» است؛

ابن حجر هیتمی مکی، در کتاب «الصواعق المحرقة» از دو تن از دانشمندان بزرگ اهل سنت (احمد و ماوردی) روایت کرده است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره بشارت ظهور حضرت مهدی ﷺ فرمود:

«ابشروا بالمهدی، رجل من قریش* من عترتی، یخرج فی اختلاف من الناس و زلزال، فیملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و

جوراً، و یرضی عنه ساکن الأرض و السماء، و یقسّم المال صحاحاً بالسویة»^۱

«بشارت باد شما را به مهدی ﷺ! او مردی از «قریش» و از عترت من است که پس از اختلاف زیاد و عدم امنیت ظهور خواهد نمود. زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد. ساکنان زمین و آسمان از او راضی و خشنود می‌گردند و اموال را به طور مساوی در بین مردم تقسیم می‌کند».

در این باب گروهی از دانشمندان شیعه و سنی مانند مرحوم سید بن طاووس^{رحمته} در کتاب «الملاحم والفتن» و یوسف بن یحیی مقدسی شافعی در کتاب «عقد الدرر» و علی متقی هندی در کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» از اسحاق بن یحیی بن طلحه تمیمی از طاووس روایت کرده‌اند که گفت:

«وَدَّعَ عمر بن الخطاب البیت، ثم قال: واللّٰه! ما أدري أدعُ خزائن البیت، و ما فيه من السلاح و المال، أم أقسمه في سبيل الله؟ فقال له علي بن ابي طالب ﷺ: امض فلسك بصاحبه، إنّما صاحبه منّا، شابٌّ من قریش، یقسّمه في سبيل الله تعالى في آخر الزمان».^۲

«عمر بن خطاب در هنگام وداع با کعبه، گفت: به خدا قسم! نمی‌دانم با آنچه در خزانه بیت است چه کنم؟ آیا این همه سلاح و اموال را به حال

۱. الصواعق المحرقة، ج ۲، باب ۱۱، فضائل اهل البيت النبوی، ص ۱۶۶، مسند احمد بن حنبل، ج ۳،

ص ۳۷؛ اسعاف الراغبین، حاشیه نور الابصار، ص ۱۴۸، و فصول المهمه، ص ۲۹۷، باب ۱۲

۲. الملاحم والفتن، ص ۱۵۲، باب ۱۵۷؛ عقد الدرر، ص ۱۵۴، باب ۷؛ البرهان، ص ۸۶، باب ۱، ح ۳۸؛ و

منتخب الاثر، ص ۱۶۲، ح ۶۵

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۳، ج ۱، ص ۲۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵

خود وا گذارم یا آنها را در راه خدا قسمت کنم؟

امیرمؤمنان علیه السلام به او فرمود: از آنها بگذر که تو صاحب آنها نیستی؛ صاحب آنها جوانی از ما (اهل بیت) و از «قریش» است که آنها را در آخرالزمان در راه خدا تقسیم می‌کند.

مقصود از قریش، نضر بن کنانه است. علامه دهخدا، در کتاب «لغت نامه» می‌نویسد:

«قریش، نام قبیله ای است. پدر این قبیله، نضر بن کنانه است. این قبیله را قریش نامند از آن جهت که گرد حرم (یعنی: در اطراف خانه خدا و سرزمین مکه) فراهم آمده اند»^۱.

۳/۲ - مهدی علیه السلام از «بنی هاشم» است؛

«قتاده» گوید: «قلت لسعيد بن المسيب: أحقّ المهدي؟ قال: نعم، هو حقّ. قلت: ممن هو؟ قال: من قریش. قلت: من أيّ قریش؟ قال: من بني هاشم.

«از سعید بن مسیب پرسیدم: آیا مهدی بر حق است؟ گفت: آری، او حق است. گفتم: مهدی از چه طایفه ای است؟ گفت: از قریش است. گفتم: از کدام تیره قریش؟ گفت: از بنی هاشم است.

۴/۲ - مهدی علیه السلام از فرزندان عبدالمطلب است؛

مقدسی در کتاب «عقد الدرر»، از جماعتی از اهل حدیث - مانند ابن

ماجه در کتاب «سنن»، حافظ طبرانی در کتاب «معجم» و ابو نعیم اصفهانی، - از انس بن مالک، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود:

«نحن سبعة بنو عبدالمطلب سادات أهل الجنة: أنا وأخي علي وعمي حمزة وجعفر والحسن والحسين والمهدي»^۱.

«ما هفت تن فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشتیم؛ من، برادرم علی، عمویم حمزه، جعفر، حسن، حسین و مهدی».

۵/۲ - مهدی علیه السلام از فرزندان ابو طالب است؛

در کتاب «عقد الدرر»، «روضة کافی»، «ارشاد» مفید و «بحار الانوار» از سیف بن عمیره روایت کرده‌اند که گفت:

«نزد ابوجعفر منصور - دومین خلیفه عباسی - بودم که خود آغاز به سخن کرد و گفت: ای سیف! به ناچار ندا کننده ای از آسمان به نام مردی از «فرزندان ابوطالب» ندا خواهد کرد. گفتم: ای امیر ... شما هم این مطلب را روایت می‌کنی؟! »

گفت: آری، به خدایی که جان من در دست قدرت اوست! من این موضوع را با دو گوش خود شنیده ام ... این ندا متوجه مردی از عمو زادگان ماست گفتم: مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام گفت: آری، ای یوسف»^۲.

۱ . عقد الدرر، ص ۱۹۴، باب ۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۲۶۹، باب خروج المهدي، كتاب الفتن؛ ينابيع المودة، ج ۳، ص ۹۱؛ مستدرک الحاكم، ج ۳، ص ۲۱۱، بحار الانوار، ج ۵، ص ۶۵، الصواعق المحرقة، ص ۲۳۵؛ منتخب الاثر، ص ۱۴۵، بشارة الاسلام، ص ۲۸۶ و ۲۹۰؛ ذخائر العقبی، ص ۱۵، و غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۳
 ۲ . عقد الدرر، ص ۱۴۹، فصل ۳، کافی، ج ۸، ص ۲۰۹، ارشاد مفید، ص ۳۳۷، بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۸۸ و المهدي، ص ۵۱

۱ . در این باره اقوال فراوان دیگری نیز هست که ما نیاز چندانی به ذکر همه آنها را نمی‌بینیم و خوانندگان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر به کتاب «لغت نامه دهخدا» و کتاب «المهدی» (علیه السلام) نوشته مرحوم آیه الله سید صدر الدین صدر، مراجعه فرمایند.

ویژگیهای منتظرین

بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت می‌کردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده‌ی دفاع از ارزشها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته‌ی اسلام است، می‌تواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدانهای خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را می‌بازند و زانوانشان سست می‌شود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر می‌اندازد، انجام دهند؛ اینها چطور می‌توانند منتظر امام زمان عجله به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های اصلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.^۱

چشم‌انتظاری جز بر پایه شناخت میسر نیست. ابتدا باید رهبری مبتنی بر وحی و عصمت را شناخت و به لزوم آن معتقد بود تا بتوان خود را برای استقرار و پذیرش آن آماده ساخت. چنانکه ابتدا باید نسبت به رهبر معصوم و امام منصوب از طرف خدا و پیامبر، معرفت پیدا کرد تا بتوان در دوران غیبتش به امید زمان ظهورش به اطاعتش برخاست.

منتظرین امام عصر باید دارای یک سری ویژگی‌هایی را در خود داشته

باشند که در این جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

اخلاق شایسته:

منتظران موعود عجله که ایشان را مظهر کامل اخلاق ربانی و آیینی تمام نمای آداب الهی میدانند نباید از خودشان اخلاق زشت و ناپسندی را بروز دهند. همچنانکه در حدیثی برای اثبات این مورد در کتاب بحارالأنوار آمده:

«و انتظار الفرج بالصبر و حسن الصحبه و حسن الجوار»^۱

پرهیزکاری:

معیار و اساس کرامت در اسلام چیزی جز پرهیزکاری و دوری از گناه نیست.^۲

پرهیزکاران منتظر اهل فرار از صحنه‌های عمل و مسئولیت نیستند. به بهانه پرهیزکاری راکد و ساکن نمی‌نشینند، بلکه پرسوز و پرتوان مسئولیت می‌پذیرند و به میدان کار و فعالیت‌های اجتماعی قدم می‌نهند، اما همواره مواظب و مراقبند که مبادا در دام گناه گرفتار آیند یا قدم در محدوده گناه و نارضایتی خداوند نهند.^۳

نیکو کاری:

امام باقر عجله می‌فرماید:

۱. بحارالأنوار، ج ۸۷، ص ۱۴۴

۲. ان اکرمکم عندالله اتقیکم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)

۳. انتظار بهار و باران

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصالای

تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

«المنتظر له المتحسب فيه الخير.»

«کسی که دیده به راه اوست، نیکوکاری خویش را به حساب او نهد.»^۱

اخلاص*:

اخلاص، کمال توحید است، رمز قبولی طاعات است، وجه مشترک همه عبادات است، راز در امان ماندن از وساوس شیطان است، کلید نجات است، راه رهایی از زندان نفس و دام شیطان و عذاب قیامت است، اخلاص خلاصه دین است، روح انتظار است.

«المنتظرون لظهوره ... اولئك المخلصون حقاً و شيعتنا صدقاً»

«آنان که منتظران ظهور او هستند ... مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما هستند.»^۲

قوت عقل و اندیشه و فزونی درک و دانش:

امام زین العابدین علیه السلام در بیان علت برتری مردمان زمان غیبت، نسبت به مردم سایر دورانها می‌فرماید:

«لأنّ الله تعالى ذكره اعطاهم من العقول والأفهام والمعرفة

ماصارت به الغيبة بمنزلة المشاهدة.»^۳

«زیرا خدای تعالی آنقدر از عقل و اندیشه و دانش به آنان بخشیده که غیبت در نظر آنان به منزله مشاهده و حضور درآمده است»

منتظران واقعی آن حضرت که ایشان را ادامه دهنده بعثت جدش پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند با ویژگی‌های دیگری از جمله فرمان‌پذیری، ولایت و براءت*، صبر و استقامت، تبلیغ و دعوت و آمادگی را نیز داشته باشند.

بیانات امام خامنه‌ای درباره‌ی امام زمان حضرت مهدی علیه السلام

قانع نشدن به وضع موجود، یک بُعد از معنای انتظار:

این‌که در روایات ما وارد شده است که افضل اعمال امت، انتظار فرج است^۱، یعنی چه؟ مگر انتظار چیست؟ انتظار ظهور حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواح‌نافداه)، مگر چه مضمون و چه معنایی در بطن خود دارد که این‌قدر دارای فضیلت است؟ یک معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط، اثر چندانی نیست. کسانی که مغرض* و یا نادان بودند، این‌طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی این‌که شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت* و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفسد را برطرف نماید! انقلاب، این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را، یا کم‌رنگ کرد و یا از بین برد. پس بحمدالله این معنا، امروز در ذهن جامعه‌ی ما نیست. اما معنای صحیح انتظار، دارای ابعادی است که توجه به این ابعاد، برای کسی که می‌داند در فرهنگ اسلام و شیعه، چه‌قدر به انتظار

۱. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق ص ۲۶۴۴-۲۰؛ الخصال، صدوق، ج ۲ ص ۶۲۰؛ المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴ ص ۴۲۵

۱. بحار الأنوار، ج ۶۵ ص ۱۴۱

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲ ص ۱۲۲

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲ ص ۱۲۲.

اهمیت داده شده، بسیار جالب است.

یک بُعد، این است که انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. «انتظار داریم»، یعنی هرچه خیر و عمل خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیر کافی است و منتظریم، تا ظرفیت نیکی عالم پر بشود. یک بُعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی این که تفکر الهی - این اندیشه‌ی روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است - یک روز سراسر زندگی بشر را فرا خواهد گرفت. یک بُعد انتظار این است که منتظر، با شوق و امید حرکت بکند. انتظار، یعنی امید. انتظار، ابعاد گوناگون دیگری هم دارد.^۱

عمر طولانی امام مهدی علیه السلام

یکی از ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام بهره‌مندی از عمر طولانی است. با توجه به اهمیت ویژگی‌های یاد شده و نظر به پرسش‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود، این ویژگی‌ها را به طور مستقل به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. پیش‌بینی عمر طولانی امام مهدی علیه السلام:

این موضوع از سال‌های پیش از تولد آن امام در روایت‌های اسلامی مطرح شده بود و ائمه معصومین علیهم السلام برای برطرف ساختن هرگونه ظن* و گمان در این زمینه، عمر طولانی پیامبران پیشین را به مردم یادآور می‌شوند و به آنها گوشزد می‌کردند که داشتن عمر طولانی یک امر بی سابقه در تاریخ انبیا و اولیای الهی نیست. از امام سجاده علیه السلام نقل شده:

«فی القائم سنه من نوح و هی طول العمر»

در قائم سنتی از نوح است و آن داشتن عمر طولانی است.^۱

۲- پیشینه گفت و گو از عمر طولانی امام مهدی علیه السلام:

عالمان و محدثان بزرگوار شیعه با توجه به پرسش‌ها و شبهاتی که در این زمینه وجود داشته از دیرباز به این موضوع توجه کرده‌اند. شیخ صدوق، که در سالهای آغازین غیبت کبری می‌زیسته، در بابی مستقل از کتاب کمال

۱. بیانات امام خامنه‌ای درباره‌ی امام زمان حضرت مهدی (عج)، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱ - پرتال پایگاه تخصصی

تبیان مهدویت پرتال پایگاه تخصصی تبیان مهدویت.

۱. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۶، ص ۵۲۴؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ح ۵

الدین و تمام النعمة به این موضوع پرداخته است.^۱ شیخ مفید* در فصل ۶ از کتاب الفصول العشره فی الغیبه شبهة طول عمر حضرت صاحب الامر را مطرح کرده و از راه‌های مختلف به آن پاسخ داده است.^۲ شیخ طوسی در اوایل الغیبه و علامه مجلسی* بخش قابل توجهی از ابواب مربوط به تاریخ امام دوازدهم را به بیان اخبار معمری‌پهن تاریخ اختصاص داده است.^۳

۳- پاسخ به شبهه طول عمر امام مهدی علیه السلام:

الف) وجود افرادی با عمرهای طولانی در گستره‌ی تاریخ

این جمله می‌گوید: محکم‌ترین دلیل بر امکان چیزی، واقع شدن آن است بر اساس شواهد تاریخی در طول تاریخ افراد زیادی وجود داشته‌اند که به عمرهای طولانی دست یافته‌اند که برخی از این افراد به شرح ذیل آمده‌اند:

- حضرت آدم علیه السلام: ۹۳۰ تا ۱۰۳۰ سال عمر کرده‌اند که در تورات، کمال‌الدین و تمام النعمة و بحارالانوار آمده است.
- حضرت نوح علیه السلام: ۹۵۰ تا ۲۵۰۰ سال عمر کرده که در تورات، مروج الذهب، تاریخ طبری، کمال‌الدین و تمام النعمة ذکر شده است.
- حضرت سلیمان علیه السلام: ۷۱۲ سال که در کتاب کمال‌الدین و تمام النعمة ذکر شده است و...

ب) امکان علمی عمر طولانی

بیشتر کسانی که در دوران معاصر درباره طول عمر امام زمان کتاب یا مقاله نوشته‌اند، با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علوم زیستی و بر اساس نظریه‌های جدیدی که درباره پیری و عوامل آن مطرح شده، دست یافتن به عمر طولانی را امری کاملاً امکان‌پذیر و منطبق بر نظریه‌های علمی دانسته و بر همین اساس به توجیه علمی عمر طولانی امام مهدی پرداخته‌اند. و شهید سید محمد باقر صدر نیز در این زمینه در کتاب رهبری بر فراز قرون در صفحات ۶۶-۶۹ به این موضوع اشاره نموده است.

ج) امکان عمر طولانی با اعجاز الهی

برخی از نویسندگان برای اثبات این مسئله به قدرت بی‌پایان خدای تعالی در تحقق اراده خود استدلال کرده و این موضوع را یکی از مصادیق اعجاز الهی دانسته‌اند.

مفهوم و علل غیبت

یکی از موضوعات بسیار مهمی که از دوران زندگی پیامبر گرامی اسلام تاکنون در جامعه اسلامی مورد بحث و گفتگو بوده است، موضوع غیبت حضرت مهدی علیه السلام - آخرین وصی و جانشین آن حضرت - می‌باشد. از آن جایی که این موضوع از نظر پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام دارای اهمیت فراوانی است، روایات و آثار زیادی از ایشان در این باره رسیده که از حیث کثرت در حد تواتر و بلکه مافوق آن است؛ به طوری که از صدر اسلام

۱. همان، ج ۲، باب ۴۳، ص ۵۲۳-۶۳۹

۲. همان، ج ۳، ص ۹۱-۱۰۳

۳. بحارالانوار، ج ۵۱، باب ۱۴، ص ۲۲۵-۲۹۳

تاکنون صدها اثر علمی، تاریخی و حدیثی توسط علما و دانشمندان اسلام، اعمّ از شیعه و سنی، درباره غیبت و مسئله مهدویت در اسلام به رشته تحریر در آمده است. البته علما و دانشمندان اسلام، هر یک، از زاویه ای خاصّ، این موضوع را تجزیه و تحلیل کرده و گوشه ای از آن را بیان نموده اند. در این راستا ما نیز در صدد آنیم که این موضوع مهمّ را با عنایت خداوند متعال و با لطف حضرت مهدی علیه السلام به قدر امکان مورد بحث و بررسی قرار دهیم و اکنون بحث را با ارزیابی علل و اسباب غیبت آن حضرت آغاز می‌کنیم.

بدون شک هیچ پدیده ای در جهان طبیعت، بدون علّت و سبب محقق نمی‌شود. زیرا بنیاد نظام عالم بر اساس اسباب و مسببات نهاده شده است و برای پیدایش هر چیز، باید علّت و سبب، مخصوص آن را جستجو کرد و از هر علّت و سبب، مسبب و معلول خاصّ آن را انتظار داشت. به عبارت دیگر، به طور کلی پدیده‌ها و موجوداتی که در عالم محقق می‌شود دو نوع است:

۱. پدیده‌های مادی

۲. پدیده‌های معنوی

بدیهی است که هر کدام از این دو پدیده، دارای علل و اسباب خاصّ خودش می‌باشد که در پیدایش آن پدیده، نقش دارد. قضا و قدر الهی، وجود هر موجودی را از مجرای علّت و سبب خاصّ خودش به وجود آورده و برای پیدایش هر امری از امور عالم، علّت و سبب خاصّی قرار داده است. به عنوان مثال، خداوند متعال برای خلقت و پیدایش انسان، اسباب و علل مادّی و برای هدایت و ارشاد مردم، علل و اسباب معنوی قرار داده است. سنت خدا بر این است که اگر بخواهد انسانی را خلق کند، او را از مجرای طبیعی، یعنی به وسیله پدر و مادر که دارای وجود مادی هستند، به وجود می‌آورد و اگر

بخواهد انسانی را هدایت و ارشاد نماید، به وسیله پیامبران و نزول وحی بر آنان و نیز با الهامات معنوی، هدایت و ارشاد می‌نماید. خداوند متعال در راستای اهداف خلقت، موجودات را به دو نوع، هدایت و ارشاد می‌کند:

۱- هدایت تکوینی*

منظور از هدایت تکوینی آن است که خداوند هر موجودی را که می‌آفریند، او را به سوی اهدافی که برای آن آفریده است، هدایت می‌کند؛ چنانکه حضرت موسی علیه السلام در جواب سؤال فرعون که پرسید: پروردگار شما کیست؟ فرمود:

﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾^۱

«پروردگار ما، کسی است که همه موجودات عالم را از نعمت وجود، برخوردار ساخت و سپس به راه سعادت و کمال هدایت کرد».

بنابراین، هدایت تکوینی خداوند، هدایتی است که نسبت به همه موجودات عالم جریان دارد.

۲- هدایت تشریحی*

هدایت تشریحی عبارت از آن است که خداوند برای موجوداتی که از نعمت عقل و شعور برخوردارند - مانند انسان - برنامه و قانون قرار داده و آنان را موظّف به اجرا و عمل به آن نموده است؛ لکن باید دانست که خداوند، هدایت تشریحی خود را به واسطه نزول وحی و فرستادن پیامبران به مردم

ابلاغ می‌کند و پیامبران را از میان مردم انتخاب می‌فرماید؛ چنانکه آیات بسیاری در قرآن کریم^۱ شاهد و گواه این مطلب است. به عنوان نمونه، یک آیه را با توجه به شأن نزول آن، که مناسبت بیشتری با بحث دارد، ذکر می‌کنیم:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾^۲

«و از آنان امامان و پیشوایانی قرار دادیم که مردم را به امر ما هدایت کنند. زیرا که آنان در راه هدایت به حق، صبر و شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند.»

گر چه ظاهر این آیه مربوط به امم گذشته و سفرای بنی اسرائیل است، ولی امام باقر^{علیه السلام} در تفسیر و بیان این آیه کریمه می‌فرماید:

«این آیه به خصوص درباره امامان از فرزندان حضرت فاطمه^{علیها السلام} نازل شده است.»^۳

از مضمون این آیه و سایر آیاتی که در مورد هدایت تشریحی آمده است و از فرمایشات معصومین^{علیهم السلام} که در تفسیر آن آیات رسیده است، استفاده می‌شود که پیامبران و پیشوایان الهی باید در میان جوامع بشری باشند و به هدایت و ارشاد مردم بپردازند و با ابلاغ اوامر و نواهی خدا به مردم، راه رسیدن به سعادت و کمال را به ایشان ارائه دهند. بدیهی است که این امر مهم انجام نمی‌پذیرد مگر آن که رهبران الهی و پیشوایان دینی در میان

مردم باشند. بنابر این، اصل اولی این است که پیامبران خدا و همچنین خلفا و اوصیای آنان در میان مردم و با مردم باشند تا مردم بر اثر معاشرت با آنان، راه و رسم بندگی خدا را از نظر علم و عمل بیاموزند. لذا خداوند متعال خطاب به مؤمنین می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^۱

«به تحقیق که زندگانی رسول خدا برای شما سرمشق خوبی است.»

با توجه به آنچه گفته شد، این سؤال مطرح می‌شود که اگر اصل اولی و قانون کلی این است که پیامبران و رهبران معصوم^{علیهم السلام} در میان مردم باشند، پس موضوع غیبت و عدم حضور بعضی از حجج خدا در میان مردم - خواه در ادیان گذشته و خواه در زمان اسلام - چگونه تفسیر و توجیه می‌شود؟ و آیا غیبت اولیای خدا با اهداف آنان و هدایت تشریحی، منافات ندارد؟

در پاسخ باید گفت: خداوند متعال، پیامبران و فرستادگان خویش را برای هدایت و ارشاد مردم فرستاد تا آنها را به سوی کمال و سعادت ابدی رهنمون نمایند. بدیهی است که پیامبران و رهبران الهی این وظیفه مهم را به نحو احسن انجام می‌داده‌اند؛ اما از آنجایی که سنت خدا بر این است که سرنوشت هر قوم و ملتی را به دست خود آنها تغییر دهد،^۲ به همین جهت، این خود انسان‌ها هستند که باعث تغییر سرنوشت خود می‌گردند. اگر آنها از انبیا و اوصیای^{علیهم السلام} پیروی و راه راست و مستقیم آنان را دنبال کنند و سرنوشت دنیا و آخرت خود را در این آزمایش بزرگ الهی بر اساس اجرای اوامر و نواهی خدا در راستای نیل به سعادت و کمال مطلوب دگرگون سازند، در

۱ . سوره بقره آیات ۱۲۹ - ۱۵۱ و سوره جمعه آیه ۲

۲ . سوره سجده، آیه ۲۴

۳ . تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۸۹

۱ . سوره احزاب، آیه ۲۱

۲ . اشاره به آیه شریفه (إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) سوره رعد، آیه ۱۱

زمره دوستان و اولیای خدا قرار می‌گیرند. این امر ممکن نیست مگر با تبعیت و پیروی کامل و بی‌چون و چرا از فرستادگان خدا چنانکه قرآن کریم این حقیقت مهم را بیان می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾^۱

«ای پیامبر! بگو که اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید، تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد».

این جا است که باید گفت علت و سبب اصلی غیبت پیامبران خدا مانند حضرت ادریس، یوسف، موسی و عیسی علیهم‌السلام در یک چیز خلاصه می‌شود و آن **عدم تبعیت کافی و کامل مردم از آنان است** که زمینه را برای جنایات زمامداران جائر زمانشان فراهم ساخت و غیبت پیامبران و رهبران الهی را موجب گشت.^۲

قطعاً اگر امت اسلام نیز در تمام زمینه‌ها به نحو احسن از پیامبر گرامی اسلام تبعیت می‌کردند و سفارش‌های پی‌در پی آن حضرت را در مورد تبعیت از قرآن و عترت به کار می‌بستند، کار به جایی نمی‌رسید که اولیای خدا و پیشوایان معصوم و اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام یکی پس از دیگری به دست ناپاکان امت کشته یا مسموم شوند و سرانجام خداوند متعال نیز به جهت ناسپاسی امت اسلام، از حضور آخرین حجّت و ولیّ خویش در میان مسلمانان کراهت داشته باشد و او را از انظار عموم مستور بدارد؛ چنانکه از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ إِذَا كَرِهَ لِمَا جَوَّارِ قَوْمٍ نَزَعْنَا مِنْ بَيْنِ أَظْهَرِهِمْ»^۱

«هنگامی که خداوند، همجواری با مردمی را برای ما کراهت داشته باشد و نخواهد، ما را از میان آنان بیرون ببرد».

باید حقیقت را برای همه پویندگان راه حقّ و زمینه سازان حکومت جهانی اسلام به رهبری حضرت مهدی علیه‌السلام بیان داشت و آن اینکه، اگر سقیفه شوم بر سر مسلمانان سایه نمی‌افکند، هرگز، نه پهلوی حضرت فاطمه علیها‌السلام، دخت گرامی پیامبر شکسته می‌شد و نه حضرت علی علیه‌السلام، امام و رهبر معصوم مسلمانان، بیست و پنج سال در خانه می‌نشست و نه بلاد مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی جولانگاه افرادی مانند معاویه و عمرو بن عاص می‌گردید و نه ماجرای فجیع و درد آور کربلا رخ می‌داد و ... و نه غیبتی این چنین طولانی و حزن آور به وجود می‌آمد.

آری! غیبت حضرت مهدی علیه‌السلام نیز بر اثر علل و عوامل مختلفی که در طول تاریخ دوپست و شصت ساله دست به دست هم داده بودند، سرانجام در سال (۲۶۰) هجری، بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام واقع شد و جهان اسلام و بشریت را در کام محرومیت و دوری از دیدار آخرین ذخیره خدا فرو برد و بدین سبب خسارتی بزرگ متوجه دنیای اسلام و جهان بشریت گردید. اینک ما به قدر امکان، علل و اسبابی را که موجب غیبت آن حضرت شده است مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهیم. به امید آن که روزی فرا رسد که زمینه و شرایط لازم برای ظهور آخرین حجّت خدا فراهم گردد و دوران ظلمت بار غیبت به سر آید و پرچم اسلام با دستانتان توانمند حضرت

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۱

۲. برای اطلاع بیشتر در این زمینه به قرآن و تفاسیر مراجعه شود.

مهدی علیه السلام در سراسر گیتی به اهتزاز در آید و آیه کریمه ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾^۱ محقق گردد.

مفضل از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت در مورد آیه ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ فرمودند:

«منظور از «ربّ الارض»، امامی است که از طرف خدا برای هدایت

مردم در زمین معین شده است».

عرض کردم: «زمانی که آن حضرت خروج کند، چه خواهد شد؟».

حضرت فرمود:

«در آن هنگام مردم به واسطه نور وجود امام، از نور خورشید و ماه بی‌نیاز می‌گردند».^۲

در این جا از همه علاقه مندان به اسلام و قرآن — خاصه شیعیان و ارادتمندان به اهل بیت علیهم السلام — می‌خواهیم که در این فرمایش عمیق و پر معنای امام صادق علیه السلام با دقت بیندیشند و ببینند که چه خسارت بزرگی به واسطه غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام متوجه دنیای اسلام و بشریت شده است. از این باید به حکم وظیفه شرعی خودمان، علل و عوامل غیبت را بررسی کرده و تا جایی که امکان دارد در رفع و از بین بردن آن بکوشیم و از خداوند بخواهیم که زمینه و مقدمات ظهور آن حضرت را فراهم فرماید.

همان طور که گفته شد؛ امام حسن عسکری در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هـ. ق یعنی زمانی حضرت مهدی علیه السلام ۵ سال بیشتر نداشت، به دست

معمد، خلیفه عباسی به شهادت رسید. با شهادت امام حسن عسکری، دوران امامت امام عصر آغاز شد. به گفته‌ی برخی صاحب نظران دوران غیبت صغری در همین سال آغاز گردید. اما برخی از محققان برآنند که این غیبت از همان زمان تولد حضرت یعنی سال ۲۵۵ هـ. ق آغاز شده است.^۱

از سال ۳۲۹ هـ. ق به بعد، دوران جدیدی از زندگی امام عصر آغاز می‌شود که از آن به غیبت کبری تعبیر می‌کنیم. در دوران غیبت صغرا حضرت ولی عصر علیه السلام از طریق کسانی که به آنها «نواب خاص» یا «نواب اربعه» گفته می‌شد، با مردم در ارتباط بود و به وسیله‌ی نامه‌هایی که به «توقیع»^۲ مشهور است، پرسش‌های شیعیان را پاسخ می‌گفت. در دوران غیبت کبری این نوع ارتباط قطع شده و مردم برای دریافت پاسخ پرسش‌های دینی می‌توانند به «نواب عام» امام عصر که همان فقیهان وارسته هستند مراجعه کنند.

در طول دوران ۶۹ ساله یا ۷۴ ساله غیبت صغراء ۴ تن از بزرگان شیعه عهده دار مقام نیابت یا سفارت خاص امام عصر علیه السلام بودند که نام آنها به این قرار است :

۱- ابو عمر و عثمان بن سعد عمری

وی نایب اول امام بود. وی ابتدا وکیل امام هادی علیه السلام و پس از آن وکیل امام حسن عسکری علیه السلام بود، و پس از وفات امام یازدهم به عنوان سفیر

۱. ر.ک: سیره معصومان، ص ۲۵۹ و ۲۷۲

۲. توقیع در لغت به معنای نشان گذاشتن، امضاء کردن حاکم بر نامه و فرمان آمده است و در اصطلاح علم حدیث به معنای پاسخ پرسش‌ها است که به صورت کتبی از طرف امام برای آگاهی شیعیان فرستاده شده است.

۱. «و زمین به نور پروردگارش روشن گردد». سوره زمر، آیه ۶۹

۲. قال: ربّ الأرض یعنی: امام الأرض. قلت: فإذا خرج یكون ماذا؟ قال: إذا یستغنی الناس عن ضوء الشمس و نور القمر و یجتزون بنور الإمام تفسیر برهان، ج ۴، ص ۸۷

حضرت مهدی علیه السلام انتخاب شد. امام هادی علیه السلام درباره اش می‌فرماید: این ابوعمر، مورد اعتماد و امین است. آنچه به شما می‌گوید و آنچه به شما می‌دهد، از جانب من می‌دهد.

۲- ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری

نایب دوم امام بود. امام حسن عسکری درباره او فرموده است: «گواه باشید بر من که عثمان بن سعید عمری، وکیل من و فرزندش، محمد، وکیل فرزند من، مهدی شماس است.»

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

نایب سوم امام عصر علیه السلام بود. ابوجعفر محمد بن عثمان دو یا سه سال پیش از وفاتش وی را به جانشینی خود انتخاب و معرفی کرد. او سران و بزرگان شیعه را گرد آورد و به آنان گفت:

«اگر مرگ من فرا رسد، کار به دست ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی خواهد بود. به من فرمان داده شده است او را پس از خود به جای خویش قرار دهم. پس به او مراجعه و در کارهای خود بر او تکیه کنید.»

ابوالقاسم حسین بن روح در شعبان سال ۳۲۶ ه. ق درگذشت. در محله نوبختیه بغداد در نزدیکی دروازه ای که خانه علی بن احمد نوبختی در آنجا بود و به سمت دروازه دیگر و پل شوک می‌رفت به خاک سپرده شده.

۴- ابوالحسن علی بن محمد سمري

نایب چهارم امام عصر علیه السلام بود. که شیخ طوسی* در کتاب (الغیبه) درباره او می‌نویسد:

«شیخ ابوالقاسم حسین بن روح [به ابوالحسن علی بن محمد سمري وصیت کرد و او به همان کاری پرداخت که پیش از آن به ابوالقاسم سپرده شده بود.»

علی بن محمد سمري در نیمه شعبان سال ۳۲۸ یا ۳۲۹ ه. ق درگذشت و پیکر وی در خیابان خلنجی در جنب باب محول نزدیک نهر ابوعتاب بغداد به خاک سپرده شد. با وفات چهارمین نایب خاص امام عصر، دوران غیبت صغرا به سرآمد و شیعیان بیش از پیش از فیض وجود امام خود محروم شدند. باشد تا پرده‌های غیبت به کنار رود و جمال دل آرای حجت حق آشکار شود.^۱

علت غیبت و جهل به آن

اما سخن از چرایی غیبت و سبب آن و وجهی که غیبت را به وسیله آن می‌توان نیکو شمرد، بعد از بیان اصولی که ذکر شد روشن می‌باشد. زیرا هنگامی که به آن روشی که دو اصل عقلی مذکور به آن انجامیدند، دانستیم که همانا امام در این عصر فقط حضرت حجة بن الحسن علیه السلام است و نه جز او. و نیز دانستیم که غایب از دید مردم است و نمی‌توانیم او را با چشم ببینیم. می‌توانیم نتیجه بگیریم که او - با فرض عصمت* و با در نظر گرفتن اینکه تکلیف امامت و رهبری در او متعین گردیده و بر عهده او واجب گردیده است - غایب نشده است مگر بخاطر سببی که اقتضای چنین غیبتی را داشته و مصلحتی که انگیزه این پنهان بودن را ایجاد کرده و ضرورتی که

او را به اینگونه نهان‌زیستی وادار کرده است - اگرچه این وجه و سبب برای ما به شکل مشخص و جزئی و با تفصیلات آن معلوم نباشد - زیرا اینگونه تشخیص و تجزیه و تفصیل، چیزی نیست که علم و آگاهی قطعی به آن لازم باشد.

سخن در باره غیبت و وجه مشخص و سبب تفصیلی آن از حیث امکان و عدم امکان یا لزوم و عدم لزوم، مانند آگاهی یافتن به مراد و منظور خداوند تعالی از آیات متشابه در قرآن کریم است که ظاهر آنها به خلاف چیزی است که عقل درک می‌کند مثلاً از ظاهر آنها جبر یا تشبیه و غیر آن فهمیده می‌شود که مخالف با نتایج عقلی علم کلام است.

پس همچنانکه ما و مخالفین ما علم قطعی و آگاهی تفصیلی به وجوه این آیات و تأویل و توجیه آنها را لازم نمی‌دانیم بلکه همه ما قائل هستیم به اینکه: وقتی ما به حکیم بودن خداوند تعالی علم داریم و می‌دانیم که ممکن نیست بخلاف آن صفات و ویژگیهایی که دارد خبری بدهد؛ بطور کلی درک می‌کنیم که برای همه این آیات وجوه صحیح و تأویلات درستی بر خلاف ظاهرشان وجود دارد که مطابقت با نتایج دلایل عقلی دارد اگرچه ما به شکل تفصیلی نتوانیم به آن وجوه و تأویلات، علم پیدا کنیم. زیرا نیازی به آن نداریم و همین مقدار که علم اجمالی داریم که مراد از این آیات خلاف معنای ظاهری آنهاست و هرکدام تأویل و وجهی مطابق با عقل دارد برای ما کفایت می‌کند.

به همین ترتیب می‌توان گفت که ما علم دقیق و تفصیلی به سبب غیبت و وجه عدم ظهور حضرت را لازم نداریم و چنین علمی برایمان ضرورت ندارد. بلکه همان علم اجمالی که ذکر شد در این باره کفایت می‌کند. حال

اگر خود را به زحمت انداختیم و علیرغم عدم لزومش در آن تحقیق و تدقیق کرده و وجوهی را ذکر کردیم، از فضل ما محسوب می‌گردد. چنانکه اگر در باب ذکر وجوه آیات متشابه و اهدافی که در آن هست، به گونه متعین و مشخص بحث کردیم، نوعی فضل و زیادت، از جماعت تحقیق‌کننده ما بشمار می‌آید.^۱

دلیل تقسیم بندی غیبت حضرت مهدی علیه السلام به غیبت صغرا

و کبرا چیست؟

در روایات ما به طور مکرر از دو غیبت آن حضرت سخن به میان آمده و از سالها پیش از تولد امام مهدی علیه السلام بر این موضوع تصریح شده است که حضرتش دو غیبت خواهند داشت که هر یک با دیگری تفاوت دارد. در این جا به چند روایت اشاره می‌کنیم: شیخ طوسی در کتاب الغیبه حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در آن، امام خطاب به یکی از اصحاب خود می‌فرماید:

ای حازم! بدان که برای صاحب این امر دو غیبت است که پس از دومین غیبت ظهور خواهد کرد.^۲

امین الاسلام طبرسی* در کتاب إعلام الوری حدیثی را نقل می‌کند که در آن، ابوبصیر خطاب به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند:

« ابو جعفر [امام باقر] علیه السلام می‌فرمود که برای قائم آل محمد علیه السلام دو غیبت است که یکی از دیگری کوتاه تر است. [نظر شما در این مورد چیست؟] امام در پاسخ ابوبصیر می‌فرماید: آری ای ابوبصیر! یکی از این دو غیبت از دیگری طولانی تر خواهد بود.

۱. امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام، ترجمه المقنع فی الغیبه، سیدشرف مرتضی قدس سره

۲. همان، ص ۲۶۱

با توجه به روایاتی که درباره‌ی غیبت حضرت مهدی علیه السلام وارد شده می‌توان گفت در مورد چگونگی غیبت آن حضرت، دو صورت قابل تصور است:

الف) ناپیدا بودن امام

یعنی حضرت مهدی علیه السلام در طول مدت غیبت خویش از نظر جسمی از نظر مردم دور است و اگر چه آن حضرت در این مدت، مردم را می‌بیند و از حال آنها باخبر می‌شوند، ولی کسی توان دیدن ایشان را ندارد و با حضرتش روبه رو نمی‌شود.

نعمانی* در کتاب الغیبه چهار روایت را نقل می‌کند که همه بیانگر همین صورت اول است. از جمله این روایات چهارگانه، این روایت امام صادق است که می‌فرماید:

«يَفْقَدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ الْمَوَاسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ»

[در زمان غیبت] مردم، امام خویش را نمی‌یابند. با اینکه او در موسم [حج] حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند، ولی کسی او را نمی‌بیند.^۱

با توجه به این روایات و احادیث آنچه برداشت می‌شود این است که امام عصر به کلی از دیدگان مردم غایب است و کسی نمی‌تواند او را ببیند.

ب) ناشناس بودن امام

امام عصر علیه السلام اگر در میان مردم حضور دارد و با آنها برخورد می‌کند ولی کسی او را نمی‌شناسد و به هویت واقعی ایشان پی نمی‌برد. و ایشان در هر

شهر و مکانی را که اراده کند، حضور می‌یابد و مانند دیگر مردم به زندگی می‌پردازد.

برای حفظ امام مهدی علیه السلام از شر دشمنان لازم نیست آن حضرت از نظر جسمی از جامعه دور و از دیدگان پوشیده باشد، همین قدر کافی است که در میان مردم ناشناخته باشد. پنهان داشتن نام و عنوان و مکان حضرت به راحتی می‌تواند وی را از شر دشمنان در امان دارد حکمت و فلسفه غیبت، در امان داشتن آخرین حجت از کید و مکر دشمنان است آنچه در روایات معصومین آمده چون آخرین حجت و ذخیره‌ی الهی است و خدای ناکرده آن حضرت کشته شود، جایگزینی برای ایشان وجود نخواهد داشت. در برخی از روایات آمده که آن حضرت به این دلیل در غیبت به سر می‌برد که می‌خواهد هنگام ظهور برخلاف اجداد خویش، بیعت حاکمان جور را بر گردن نداشته باشد. شیخ صدوق در باب «علة الغیبه» از کتاب کمال الدین و تمام النعمة روایتی را نقل کرده که از آن استفاده می‌شود، خداوند این دو غیبت را بر امام عصر علیه السلام رقم زده که می‌خواسته است سنت‌های پیامبران پیشین را در مورد آخرین حجت خود جاری سازد. مورد بعدی از علل غیبت حضرت مهدی موعود علیه السلام امتحان الهی است که خداوند به وسیله‌ی آن مومنان راستین و ثابت قدم را از مدعیان دروغین و مسلمانان سست عنصر تمییز می‌دهد. اگر بپذیریم که خداوند خواسته است با غیبت امام علیه السلام مردم را امتحان کند لازمه آن پذیرش ستمی است که در زمان غیبت از سوی ستم کاران بر مومنان می‌رود.

از روایات متعددی استفاده می‌شود که استمرار غیبت امام مهدی علیه السلام و ظهور نکردن آن حضرت به دلیل یافت نشدن یاران وفادار به تعداد لازم؛

یعنی سیصد و سیزده نفر است که از آن جمله می‌توان به روایت نقل شده از امام موسی کاظم علیه السلام اشاره کرد. در این روایت ایشان خطاب به یکی از یاران خود می‌فرماید:

«ای پسر بکیر! من به تو سخنی را می‌گویم که پدران من نیز پیش از من آن را بر زبان رانده‌اند و آن این است که اگر در میان شما به تعداد کسانی که در جنگ بدر [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] بودند [یاران مخلص] وجود داشت قیام کننده ما [اهل بیت] ظهور می‌کرد.»^۱

برخی فقیهان و متکلمان بزرگ شیعه علت غیبت را فراهم نبودن زمینه برای ظهور و آماده کردن جوامع بشری می‌دانند. برخی روایات، حکمت غیبت را رازی از رازهای خدا دانسته‌اند که فقط پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام آشکار می‌شود.

کلامی زیبا از حضرت علی علیه السلام

در پایان این قسمت از بحث، مناسب است که توجه خوانندگان محترم را به فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که بیانگر بعضی از علل و حکمت های غیبت است جلب کنیم. آن جا که حضرت به کمیل بن زیاد نخعی می‌فرماید:

«اللهم بلی! لا تخلو الأرض من قائم لله بحجة، إما ظاهراً مشهوراً، وإما خائفاً مغموراً، لئلا تبطل حجج الله وبيئاته، وكم ذا وأين أولئك؟ أولئك والله الأقلون عدداً، والأعظمون عند الله قدراً. يحفظ الله بهم حججه وبيئاته حتى يودعوها نظراءهم، ويزرعوها في قلوب أشباههم. هجم بهم العلم على حقيقة البصيرة، وباشروا روح اليقين، واستلانوا ما استعورة المترفون، وأنسوا بما استوحش منه الجاهلون، وصحبوا الدنيا بأبدان أرواحها معلقة بالمحل الأعلى. أولئك خلفاء الله في أرضه، والدعاة إلى دينه، آه آه شوقاً إلى رؤيتهم!»^۱

«بار خدایا! چنین است که زمین هرگز از کسی که با حجت و دلیل، قیام به حق نماید و دین خدا را برپا دارد خالی نخواهد ماند؛ خواه این کس ظاهر و آشکار باشد [مانند امامان یازده گانه معصوم علیهم السلام] خواه در حال ترس و پنهانی [مانند امام دوازدهم حضرت مهدی علیه السلام] تا دلایل الهی

و مشعل های فروزان خدا از بین نرود. و آنان چند نفرند و کجایند؟ به خدا سوگند که تعداد آنان اندک و مقام و منزلتشان در نزد خدا بسی بزرگ و ارجمند است. زیرا خدا به وسیله آنان حجت ها و دلایل روشن خویش را پاسداری می کند، تا آن را به کسانی مانند خود بسپارند و بذر آن را در دل های افرادی مثل خودشان بیفشانند. علم و دانش با بینش حقیقی به آنان رو می آورد و آنها، روح یقین را با نهادی آماده و پاک لمس می کنند و آنچه را دنیا پرستان هوس باز، دشوار و ناهموار شمارند، آنها برای خویش آسان و گوارا دانند و آنچه را جاهلان از آن هراسان باشند آنان بدان انس گیرند. زیرا آنان دنیا را با بدن هایی همراهی می کنند که ارواحشان به جهان بالا پیوسته است. آنان در زمین، خلفای خدا و دعوت کنندگان به دین او هستند. چقدر مشتاق و آروزمند دیدارشان هستیم!»

آنچه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این حکمت برای کمیل بن زیاد بیان فرموده است، جز بر پیامبر اکرم و امامان معصوم بعد از آن حضرت، بر هیچ مقام و شخصیتی منطبق نمی شود. حتی ابن ابی الحدید نیز این جملات امام علیه السلام را بیانگر اعتقادات شیعه می داند و می گوید:

«این جمله اعتراف صریح امام نسبت به مذهب امامیه است»^۱.

* مباحث تکمیلی در این مورد مباحثی وجود دارد که این مباحث به شرح ذیل ذکر شده اند:

- همسر و فرزندان امام زمان علیه السلام

برخی افراد معتقدند که امام مهدی علیه السلام ازدواج کرده است که به دو دسته دلیل استناد می کنند: نخست، روایاتی که در فضیلت ازدواج وارد شده و در آنها تأکید شده است که ازدواج، سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و هر کس ازدواج نکند از پیامبر نیست.^۱ دوم، روایات، دعاها و زیارتیهایی است که در آنها به نوعی به همسر و فرزند داشتن آن حضرت تصریح یا اشاره شده است. از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

* ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «گویا می بینم که قائم علیه السلام با خانواده و فرزندان در مسجد سهله فرود آمده است.»^۲

* در بخشی از صلوات معروف به ضراب اصفهانی که از امام عصر علیه السلام نقل شده و خواندن آن در عصر روز جمعه سفارش گشته، چنین آمده است: بارخدایا، به او درباره خودش، فرزندان، شیعیان، رعیتش، خاصش، عامش، دشمنش و همه اهل دنیا، عطا فرما آنچه را که دیده اش را روشن و دلش را مسرور گرداند.^۳

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۴، باب ۲۱ و ۲۰ از ابواب مقدمات

النکاح و آدابه، صص ۲-۹

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷، ح ۱۳

۳. بحارالانوار، ص ۲۲، ح ۱۴

کسانی نیز که منکر ازدواج و فرزند داشتن امام عصر علیه السلام هستند، افزون بر خدشه در سند یا دلالت روایات مورد استناد گروه نخست، به روایاتی استفاده می‌کنند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

* شیخ طوسی از حسن بن علی خزاز نقل می‌کند: علی بن ابی حمزه (او یکی از سران واقفه بود) بر ابن الحسن رضا علیه السلام وارد شد و به آن حضرت عرض کرد: «آیا تو امامی؟» حضرت فرمود: «آری» پس او گفت: «من از جدت جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: امامی وجود ندارد، مگر اینکه نسلی از او به جا می‌ماند» پس فرمود: ای پیرمرد! فراموش کرده ای یا خود را به فراموشی زده ای. جعفر این گونه نگفت، بلکه جعفر گفت: امامی وجود ندارد، مگر اینکه فرزندی دارد؛ به جز امامی که حسین بن علی - درود بر آنها باد - پس او [از قبر] بیرون می‌آید؛ همانا او فرزندی ندارد. پس گفت: راست گفתי، فدایت شوم، شنیدم که جدت چنین فرمود.^۱

* مسعودی نیز در اثبات الوصیه، روایتی مشابه همین روایت نقل کرده است.^۲ ناگفته نماند که برخی از عالمان شیعه گفته‌اند: مراد این روایت از اینکه می‌گوید: «او فرزندی ندارد» این است که «او فرزندی که امام باشد، ندارد»^۳

- محل زندگی امام عصر علیه السلام

بحث در زمینه‌ی محل اقامت امام مهدی علیه السلام، روایت‌های گوناگونی وجود دارد که با توجه به آنها، محل‌های احتمالی اقامت آن حضرت را می‌توان به

سه دسته تقسیم کرد که به دو مورد در ذیل اشاره شده است:
نخست، محل‌های دور دست و ناآشنا؛ برخی روایات، محل خاصی را برای اقامت امام مهدی علیه السلام تعیین نمی‌کنند و جایگاه ایشان را در بیابان‌ها و کوه‌ها، مکانهای دور دست و محل‌هایی می‌دانند که هیچ کس از آن آگاهی ندارد.

از جمله در روایتی که از خود آن حضرت نقل شده است، ایشان خطاب به علی بن مهزیار می‌فرماید:

«ای پسر مهزیار! پدرم ابومحمد از من پیمان گرفت که هرگز با قومی که خداوند بر آنها خشم گرفته، آنها را لعنت کرده، برای آنها در دنیا و آخرت بیچارگی رقم خورده و عذابی دردناک در انتظار آنان است، هم نشین نباشم و به من دستور داد که برای اقامت، کوه‌های سخت و سرزمین‌های خشک و دوردست را برگزینم.»

دوم، محل‌های خاص و شناخته شده؛ در برخی از روایات، از مکان‌هایی خاص به عنوان اقامت‌گاه امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت یاد شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در برخی روایات، از مدینه منوره به عنوان محل اقامت امام عصر علیه السلام یاد شده از جمله در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام که می‌فرماید:

«صاحب این امر ناگزیر از کناره‌گیری است و او در [زمان] کناره‌گیری خود ناگزیر از [داشتن] نیرو و توانی است. او با وجود آن سی نفر هیچ هراسی ندارد. چه خوب جایگاهی است [مدینه] طیبه»

در برخی روایات هم به «کوه رضوی» در نزدیکی مدینه اشاره شده

۱. کتاب الغیبه (شیخ طوسی)، صص ۱۳۴/۱۳۵- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۵، ح ۷۷

۲. علی بن حسین مسعودی، ص ۲۰۱

۳. ر.ک. نجم‌الناقب، ص ۴۰۷

است.^۱ این مکان در دعای ندبه نام برده شده است.^۲ یاقوت حموی در مورد منطقه «رضوی» می‌فرماید:

«رضوی کوهی است میان مکه و مدینه در نزدیکی یبوع و دارای آب فراوان و درختان زیادی است. کیسانیه^۳ * می‌پندارند که محمد بن حنیفه در آنجا زنده و مقیم است»

مکان دیگری که در روایات از آن به عنوان محل اقامت امام عصر علیه السلام یاد شده «ذی طوی»^۴ است، نام کوهی در اطراف مکه است. در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده، چنین آمده است:

«صاحب این امر را در یکی از این دره‌ها غیبتی است»

[در این حال، آن حضرت] با دست خود به ناحیه ذی طوی اشاره کرد.^۴ گفتنی است که در دعای ندبه نیز به این مکان اشاره شده و در برخی روایات از همین منطقه به عنوان محل تجمع یاران مهدی علیه السلام یاد شده است.^۵

ماموریت اصلی حجت علیه السلام

آن حضرت علیه السلام در عصر غیبت به دیگر امور خود می‌پردازد و همانند هر انسان کامل و خلیفه و امامی به اداره هستی در طول ربوبیت الهی ادامه می‌دهد. بنابراین دور نیست که در اماته و احیا و شفا و مانند آن درباره انسانها نیز اقدام کند و برخی از دشمنان عنود و دود را بکشد و به اعجازی، مرده را زنده و بیماری را شفا دهد. البته این امور در حق آن حضرت از امور مهم اصلی شمرده نمی‌شود. هدایت همه موجودات هستی به سوی کمال مطلق، مأموریتی است که خداوند به امام مهدی علیه السلام داده است؛ زیرا ایشان و دیگر انسانهای کاملی که در زمان خود خلیفه و حجت الهی بر زمین بوده‌اند، نقش اصلی شان هدایت انسان‌ها به سوی کمال بوده و قرآن بدان تصریح نموده است.

دیگر سخن آنکه آن حضرت، فقط امام و پیشوای انسانها نیست، بلکه جنیان نیز پیشوایی او را پذیرفته‌اند و بدان باور دارند، چنان که امامت و پیشوایی و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله را پذیرفته‌اند. (سوره جن) از این رو آن حضرت علیه السلام هر چند از دیدگاه ما نهان و از منظر ما غایب است، در نزد دیگر مکلفان (جنیان) حاضر است و آنان از ایشان به طور مستقیم بهره‌مند می‌باشند.^۱

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۴۰/الغیبه الطوسی، ص ۱۰۲

۲. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۸

۳. بیروان مختارین ابو عبیده ثقفی بودند

۴. الغیبه (نعمانی)، ص ۱۸۲

۵. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۸

۱. خلیل منصوری (این مقاله با نام محمدباقر منصوری در روز نامه کیهان به چاپ رسیده است).

حضرت مهدی علیه السلام از نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام از نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام نوید عدالت از نگاه شهید عدالت، عدل فراگیر از نگاه عدل در زنجیر، عدالت موعود از نگاه عدالت مظلوم است. بررسی ابعاد مختلف شخصیت آخرین امام از دیدگاه اولین امام بیانگر نوعی یگانگی و پیوستگی در سلسله امامت است که در سایه آن بقای ولایت به عنوان استمرار رسالت تضمین می‌شود، سمت و سوی توحیدی جامعه محفوظ می‌ماند؛ و تلاش‌ها، مجاهدتها و پایمردی‌ها و شهادت طلبی‌های پیروان ولایت به ثمر می‌نشینند. تأکید بر حجة الله بودن امام زمان علیه السلام - با تکیه بر سنت تغییر ناپذیر الهی در اقامه حجت - نوعی مسئولیت آفرینی برای مردم در قبال اوست. مسئولیتی که آنان را در پیروی از او تجهیز می‌کند و نسبت به اطاعت پذیری و فرمانبری از او بر می‌انگیزاند. ثمره‌ی حجت بودن امام زمان علیه السلام تنها در قیامت و در پیشگاه میزان عدل الهی ظهور و بروز نمی‌یابد، بلکه عرصه زندگی و حیات فردی و اجتماعی نیز جلوه‌گاه آثار و ثمرات این حجیت است. با نگاه به حجت است که حق تشخیص داده می‌شود و انسان در موضع گیری خود از اشتباه مصون می‌ماند. با تأسی به حجت است که رفتار مومن تصحیح می‌شود و لغزش و انحراف برایش پیش نمی‌آید. با فرمان‌پذیری از حجت است که شیعه از فتنه‌ها به سلامت می‌رهد، و نیک فرجامی دنیا و سعادت آخرتش ضمانت می‌شود. مولا علی علیه السلام با تأکید بر ضرورت وجود حجت در بین همه انسانها، در همه جای زمین، همیشگی بودن و استمرار وجود او را خاطر نشان می‌سازد.

و با چنین تصویری، نقش حضرت مهدی علیه السلام را به عنوان آخرین حجت الهی حیاتی تر و برجسته تر می‌نمایاند. تقسیم بندی حجت قیام کننده به امر الهی به دو گونه حجت آشکار و ظاهر و حجت نهان شده مستور که تأکیدی بر عدم تفاوت آن دو نیز به شمار می‌آید، علاوه بر ابعاد کلامی، نوعی پاسخگویی به پرسش‌هایی است که در زمانه غیبت نسبت به چگونگی بهره‌وری از امام زمان علیه السلام پدید می‌آید.

تأثیرات تکوینی وجود حجت به ظهور و غیبت او بستگی ندارد، چنانکه تأثیر هدایت تشریحی و راهبری‌های عملی او با نهان‌زیستی ظاهر او تقلیل نمی‌پذیرد. امام غایب نیز همچون امام ظاهری در گوشه‌ای از دنیا اقامت گزیده و عملاً دور از دسترس اکثر ارادتمندان و پیروان خویش است، می‌تواند با فرمایشات و توجیهاات، و با نظارت پیدا و نهان، و با بهره‌گیری از نمایندگان و عاملان خود، در اداره جامعه مؤثر می‌باشد.

روایاتی مهدوی از امام رضا علیه السلام

مهدویت در طول تاریخ از سوی ائمه برای شیعیان مورد تأکید قرار گرفته و زمان امام رضا علیه السلام نیز مطرح بوده چرا که وقتی امام رضا ولایت عهدی را پذیرفت عده‌ای گمان کردند که ایشان جهان را پر از عدل و داد می‌کند در حالی که بعد از ایشان نیز دو امام بعدی زمینه‌ساز ظهور امامت امام موعود شدند اما به هر حال جایگاه امامت در دوران امامت امام رضا علیه السلام بسیار متعالی بود.

در حدیثی از ریان بن صلت بیان شده که امام رضا علیه السلام فرمودند امام مهدی علیه السلام با چشم دیده نمی‌شود، به مناسبت نبود او فتنه‌های سخت و خانمان‌براندازی وجود دارد که خویشان و همرازان و همسنگران در او سقوط می‌کند، یعنی امام رضا علیه السلام نسبت به مهدویت مسائل بسیار حیاتی و مهمی را بیان کرده و از کوچکترین فرصت‌ها برای بیان مباحث مهدوی برای شیعه استفاده کرده است. به طور مثال امام رضا علیه السلام به شخصی گفت شما در قنوت نماز چه می‌خوانید؟ و سپس گفت دعایی را برای امام مهدی علیه السلام بخوانید. ایشان خود دعا کردن برای امام مهدی علیه السلام را در قنوت نماز تعلیم می‌دهند تا در بهترین حالات و موقع نیایش نمازها، امام مهدی علیه السلام را مدنظر قرار دهیم.^۱

امام عصر علیه السلام به روایت امام حسن مجتبی علیه السلام

شیخ صدوق در اکمال الدین از ابو عقیصا روایت کرده که می‌گوید: پس از آنکه امام حسن علیه السلام با معاویه صلح کرد بعضی از مردم به خدمت آن حضرت رفته و او را به جهت صلح با معاویه ملامت می‌کردند.

حضرت خطاب به ایشان فرمود: وای بر شما آیا نمی‌دانید آنچه من انجام دادم (یعنی صلح با معاویه) برای شیعیان من بهتر است از آنچه آفتاب بر آنها طلوع و غروب می‌کند؟ آیا نمی‌دانید من امام واجب‌الاطاعه هستم و به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از دو سید جوانان اهل بهشتم؟ عرض کردند: بلی می‌دانیم؟ فرمود: آیا نمی‌دانید که خضر کشتی را شکست، بچه را کشت و دیوار را به پا کرد و حضرت موسی علیه السلام چون از حکمت کار بااطلاع نبود خشمگین شد در حالیکه در نزد خداوند حکمت و مصلحتی در کار نبود؟ آیا نمی‌دانید که از ما اهل بیت کسی نیست که در گردن اهل بیعت حکومت زمان او برگردنش نباشد مگر حضرت مهدی علیه السلام که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می‌خواند و خداوند متعال ولادت او را مخفی و وجودش را از انظار مردم پنهان می‌دارد تا اینکه او را بر گردن او بیعتی نباشد؟ پس چون امام نهم از اولاد برادر امام حسین علیه السلام متولد شود، خداوند غیبت او را طولانی گرداند، سپس به قدرت کامله خود او را در سن و سال جوانی کمتر از چهل سال ظاهر سازد، آنگاه معلوم شود که خدای تعالی بر همه چیز قادر و تواناست.^۱

۱. آشنایی با امام زمان (عج) و حکومت جهانی آن حضرت، میرزا باقر حسینی زفره ای اصفهانی

۱. www.masaf.ir - بر گرفته از سایت مصاف ایرانیان

شعر انتظار

شعر تالشی در وصف حضرت مهدی عج از سعدالله سلیمانپور
طولارودی:

صفای اهل وایمانیش مهدی جان
چمه دلن ترا خیلی تنگ اوین
أم دنیا بی اشتن زندان سرایه
آیا قسمت بیبی تا ته بوینم
کینیش بمه چمه دلن شاد آبون
اشتن جدایی کا دلن غمینین
انشاله مکه کا ظهور بکری
سلیمانی ترا در انتظاره

امید دین وقرانیش مهدی جان
چمه دردی را درمانیش مهدی جان
صفای باغ وبستانیش مهدی جان
امه را ماه تابانیش مهدی جان
صفای ام گلستانیش مهدی جان
درمان درد هجرانیش مهدی جان
زو به ظلمون راپایانیش مهدی جان
چمه ئون جانی را جانیش مهدی جان

(صادق رحمانی)

ماندیم و ندیدیم به ناز آمدنت
چون سرو سرافراز فراز آمدنت
دل در خم کوچه شهادت ماندست

(محمد رضا ترکی)

ای نسیم سرخوش که از کرانه‌ها عبور میکنی
ای چکاوکی که کوچ تا به جلگه های دور می کنی
ای شهاب روشنی که از دیار آفتاب می رسی
این فضای قیرگونه را پر از طنین نور می کنی
آی ابر دلگرفته مهاجری که خاک تیره را

(علی پورحسن آستانه)

کاشکی مردی بیاید حرفهای سینه را معنا کند
واژه واژه، رمز خط کوفی آینه را معنا کند
بس که ماندم در حصار انتظاری تلخ، معلومم نشد
خوب من کی خواهد آمد، عصر آن آدینه را معنا کند
خواب سبزی دیده ام، انگارمی آیدسواری سبزپوش
شعله ور خشمی بدستش تا تب دیرینه را معنا کند

و در پایان با ذکر فرازی از دعای زمان غیبت، از خداوند منان آرزوی زندگی بابرکت و سرشار از مهر و محبت را مسئلت داریم:

«اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَمْ تَعْرِفَنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ،
اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَبِيَّكَ، فَإِنَّكَ إِن لَمْ تَعْرِفَنِي نَبِيَّكَ، لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ،
اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حَجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِن لَمْ تَعْرِفَنِي حَجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنِي
دِينِي، اللَّهُمَّ لَا تَمْتَنِي مَيْتَةَ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا تَرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي،
اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي بَوْلَايَةَ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وِلَاةِ أَمْرِكَ
بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى وَالَيْتَ وِلَاةَ أَمْرِكَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعَفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا
وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ».

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

واژه نامه

پاک و خالص کردن، دوستی پاک و بی ریا داشتن، خلوص نیت و عقیده پاک داشتن.	اخلاص
از دانشمندان و فقیهان شیعه ایرانی در ۴۶۸-۵۴۸ هـ ق می باشد.	امین الاسلام طبرسی
پاک شدن از عیب و تهمت و خلاص شدن از قرض.	براءت
از طوایف مستعربه، یعنی اعرابی که اصالتاً عرب نیستند می باشد. و از اولاد هاشم پسر عبدمناف هستند.	بنی هاشم
در لغتنامه دهخدا به معنای بیان کردن راه آمده است. در فرهنگ معین یعنی آیین نهادن و شریعت آوردن.	تشریح
بوجود آوردن، آفریدن و هستی دادن.	تکوین
نشان گذاشتن بر چیزی و امضاء کردن نامه یا فرمان، نوشتن چیزی در ذیل نامه یا کتاب.	توقيع
نام منطقه است در یک فرسخی مکه که داخل حرم قرار دارد. و در لغت به معنای پیچیدن و در نور دیدن می باشد.	ذی طوی
گمان، خلاف یقین است.	ظن
جمع سجیه، خوی، خلق و طبیعت.	سجایا

سوشینت	سودرساننده.
شامخ	بلند و مرتفع
شیخ طوسی	از علمای ایرانی شیعه در قرن ۵ قمری می باشد.
شیخ مفید	از علمای برجسته شیعه در سده ۴ هجری قمری بود.
عصمت	منع و بازداشتن و نگاه داری نفس از گناه، ملکه‌ی اجتناب از گناه و خطا.
علامه	محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷هـ - ق - ۱۱۱۰هـ - ق
مجلسی	در اصفهان) معروف به علامه مجلسی و مجلسی ثانی فقیه شیعه بود.
کیسانیه	از فرقه‌های شیعی بودند.
متواتر	پی در پی، پیاپی
مجاهدت	کوشش کردن، مجاهد کسی است که بادشمن جنگ کند.
مسیح	مسح شده خداوند
مغرض	کسی که قصد و غرضی دارد، بدخواه و بدنفس
نعمانی	مفسر و محدث شیعه در قرن چهارم هجری قمری و از شاگردان محمد بن یعقوب کلینی بود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ترجمه محمدتقی جعفری رحمته‌الله، نهج البلاغه علی علیه‌السلام، چاپ چهارم، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰
۳. ابراهیم شفیعی سروستانی، معرفت امام زمان علیه‌السلام و تکلیف منتظران، موسسه فرهنگی موعود و مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما
۴. حسین علی پور، جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه‌السلام، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰
۵. سیداسدالله هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰
۶. مرتضی ترابی، امام مهدی علیه‌السلام حقیقتی تابناک، چاپ اول، انتشارات توحید، ۱۳۹۲
۷. سیدعبدالمجید فلسفیان، علی و پایان تاریخ، چاپ دوم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۹
۸. سیدحسن موسوی آل طعمه، منتخب مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه ای، چاپ یازدهم، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۸۸
۹. سعدالله سلیمانپور طولارودی، از تالشیم یا حسین علیه‌السلام، چاپ اول، انتشارات دهسرا، ۱۳۹۳
۱۰. واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، انتظار بهار و باران، انتشارات مسجد مقدس جمکران، پاییز ۱۳۷۶